



اهمیت و تاثیر صادرات گاز جمهوری آذربایجان برای اقتصاد ترکیه

جمهوری آذربایجان به تامین کننده اصلی گاز ترکیه تبدیل شده که می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی بزرگی برای منطقه داشته باشد. این موضوع در چارچوب سیاست‌های ترکیه مبنی بر کاهش وابستگی خود به گاز روسیه است.

آران نیوز: در سال های اخیر آذربایجان به تامین کننده اصلی گاز ترکیه تبدیل شده که می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی بزرگی برای منطقه داشته باشد. اما این موضوع نیز در چارچوب سیاست های ترکیه مبنی بر کاهش وابستگی خود به گاز روسیه است. همچنین افزایش روابط دوجانبه با تل آویو بر سر گاز مدیترانه شرقی نیز در همین راستاست بطوریکه پس از یک دهه رییس جمهور اسرائیل به آنکارا سفر کرد که یکی از موارد مذاکره، همین منابع گاز مدیترانه بود. مثلاً، براساس داده های رسمی ترکیه از ژانویه تا می سال ۲۰۲۰، ۴۵۲۷۳۹ متر مکعب گاز از میدان شاه دنیز آذربایجان وارد کرد که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۱۹ حدود ۲۰.۴ درصد بیشتر بود.

از سوی دیگر، در ماه می ۲۰۲۰ واردات از روسیه در مقایسه با ماه مشابه در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۶۲ درصد کاهش یافت. در واقع از می ۲۰۲۰، آذربایجان رسماً به تامین کننده اصلی گاز ترکیه تبدیل شد. البته این روند ادامه سال ۲۰۱۹ بود که سهم آذربایجان در عرضه گاز ترکیه با ۶.۲۳ درصد به ۲۱.۲ درصد رسید

افزایش سهم گاز صادراتی آذربایجان به ترکیه، پس از راه اندازی TANAP در اواخر سال ۲۰۱۹ امکان پذیر شد. این پروژه بخشی از کریدور گاز جنوبی با هزینه ۴۰ میلیارد دلاری و تعدادی خط لوله است که میدان شاه دنیز II آذربایجان را به بازار وسیع اروپا متصل می کند.

خط لوله TANAP ظرفیت انتقال ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز دریای خزر در سال را دارد که ۱۰ میلیارد متر مکعب آن به اروپا و ۶ میلیارد متر مکعب به بازار ترکیه می رود. به طور بالقوه، TANAP می تواند تا ۳۱ میلیارد مترمکعب ظرفیت داشته باشد. بطوریکه در ماه های اخیر و پس از حمله روسیه به اوکراین یکی از گزینه های مهم بروکسل برای کاهش وابستگی به گاز روسیه، همین خط لوله تاناب بود.

البته خط لوله ۷.۸ میلیارد دلاری و ۹۳۰ کیلومتری ترک استریم که در سراسر دریای سیاه ساخته و در اوایل سال ۲۰۲۰ افتتاح تا به عنوان تامین کننده بزرگ گاز، جایگزین آذربایجان شد. در سال ۲۰۱۷، گازپروم ۵۲ درصد از کل واردات گاز ترکیه را تامین می کرد که این رقم در سال ۲۰۱۸ به ۴۷ درصد و در سال ۲۰۱۹ تنها ۳۳ درصد افزایش یافت.

اما حالا ترکیه ماهانه نزدیک به ۹۵۰ میلیون مترمکعب گاز آذربایجان را دریافت کرد که ۲۳.۵ درصد از کل حجم گاز صادر شده به ترکیه را تشکیل می داد. آذربایجان همچنین با ایران که همراه با روسیه دومین و سومین تامین کننده گاز ترکیه هستند، برای بازار ترکیه در رقابت است.

کاهش جریان گاز روسیه به ترکیه در دو سال اخیر نیز ناشی از افزایش واردات شرکت ملی ترکیه BOTA از الجزایر و نیجریه به شکل LNG بوده که تقریباً یک سوم واردات گاز ترکیه به این صورت است. همچنین برای گازپروم، رقابت با ذخایر بزرگ LNG که ترکیه از آمریکا وارد می کند، دشوارتر می شود. نگاهی به پویایی واردات LNG روند جالبی را نشان می دهد - در ۱۰ سال گذشته سهم LNG به طور پیوسته در ترکیه افزایش یافته است. در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۹، سهم LNG در واردات گاز ترکیه از ۶.۱ میلیارد متر مکعب به ۱۲.۷ میلیارد متر مکعب افزایش یافت.

ژئوپلیتیک تامین گاز

تلاش برای کاهش عرضه گاز روسیه به این معنی است که ترکیه در یک دوره زمانی بی ثباتی- مانند مناقشه کنونی اوکراین- که نفوذ روسیه در امتداد مرزهای ترکیه افزایش می یابد، فضای برای مانورهای ژئوپلیتیکی خواهد داشت. علاوه بر این، آنکارا ممکن است اهرم های بیشتری را به دست آورد زیرا قراردادهای مختلف تضمین کننده عرضه گاز از روسیه در سال های آینده منقضی می شود و احتمالاً مذاکرات سختی انجام خواهد شد.

در واقع، ژئوپلیتیک ممکن است پشت تحرکات و آرزوهای ترکیه برای کاهش وابستگی به روسیه نقش داشته باشد. این بدان معناست که آنچه در سوریه، قفقاز، اروپای شرقی یا جاهای دیگر اتفاق می افتد به راحتی بر محاسبات صنعت گاز ترکیه تأثیر می گذارد.

افزایش نفوذ نظامی روسیه در سوریه و دریای سیاه و افزایش اختلافات بر سر مناقشه لیبی، دلیلی

برای نگرانی ترکیه است. بنابراین طبیعی است که ترکیه به راه های مختلفی برای کاهش وابستگی خود به گاز روسیه نگاه کند. این یک فرصت عالی برای آذربایجان ایجاد می کند تا موقعیت خود را به عنوان تامین کننده اصلی گاز منطقه تقویت کند و در نتیجه روابط خود را با ترکیه تقویت کند.

بنابراین میتوان ماضع اخیر ترکیه در مورد درگیری ها بین ارمنستان و آذربایجان را در این چارچوب توضیح داد. مثلاً یکسال پیش از جنگ دوم قره باغ، درگیری هایی در منطقه طووز آذربایجان روی داد. باید توجه داشت، این منطقه از قره باغ کوهستانی فاصله زیادی دارد. آنچه جنگ در طووز را به ژئوپلیتیک عرضه گاز مرتبط می کند، اینکه این منطقه یک کریدور زمینی حیاتی برای مسیرهای حمل و نقل منطقه ای و صادرات انرژی است که شامل خط لوله باکو-تفلیس-جیهان (BTC)، خط لوله گاز طبیعی قفقاز جنوبی (SCP) و راه آهن باکو-تفلیس-قارس (BTK) است. این زیرساختی است که آذربایجان را به غرب متصل می کند و نشان دهنده یک کریدور بزرگ ر فرآسایای شرق-غرب است که از زمان پایان اتحاد جماهیر شوروی توسط غرب مورد حمایت قرار گرفته است. اما مهمتر از آن، این کریدور به آنکارا اجازه می دهد تا به دنبال جایگزینی جزئی برای وابستگی به گاز روسیه باشد. بنابراین، هرگونه حرکت نظامی در نزدیکی این مسیرهای استراتژیک می تواند ترکیه را به اقدامی دیگر دعوت کند.

در نهایت، این درگیری ها آسیبی به زیرساخت های انرژی و حمل و نقل آذربایجان وارد نکرد. اما جمهوری آذربایجان و ترکیه جنگ گرجستان و روسیه در سال ۲۰۰۸ را به یاد می آورند که SCP، BTC و خط لوله نفت باکو-سوپسا به دلیل عملیات نظامی جاری و عدم اطمینان عمومی در قفقاز جنوبی عملاً تعطیل شدند.

نتیجه

از آنجایی که ترکیه به جای اینکه تنها به عنوان یک کشور ترانزیتی باشد، قصد دارد خود را به قطب انرژی منطقه تبدیل کند، روابط این کشور با آذربایجان احتمالاً بیشتر مستحکم خواهد شد. گاز آذربایجان همچنان نقشی حیاتی در این استراتژی نوظهور ترکیه ایفا خواهد کرد. علاوه بر این، هر دو به دنبال همکاری نظامی عمیق تر برای دفاع از زیرساخت های حیاتی خود خواهند بود. شاید این امر بتواند انگیزه لازم برای گسترش همکاری های سه جانبه ترکیه-گرجستان-آذربایجان باشد. تا حد زیادی نیز به عرضه گاز روسیه بستگی دارد، اما همانطور که روند عرضه گاز در سال های اخیر و تحولات ژئوپلیتیک منطقه نشان می دهد، ترکیه به کاهش وابستگی خود به واردات روسیه ادامه خواهد داد.